فصلنامه­ی علمی ـ ترويجي اخلاق faslnameh-ye akhlagh

س3، ش11، پاییز1392 a reseach EXTENSION quarterly

صفحات 132-107 vol3, fall 2013, no.11

**رابطة نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان**

فرزانة خالقی‌دهنوی[[1]](#footnote-1)\*، فریبا یزدخواستی[[2]](#footnote-2)\*\*

# چکیده

امروزه در بیشتر جوامع، طلاق به عنوان یک مسئلة اجتماعی مهم در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد سبک زندگی و مؤلفه‌های مرتبط با آن، به‌ویژه نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد متأهل، می‌تواند بر وضعیت رابطة زناشویی آن‌ها و اقدامشان برای طلاق، تأثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطة بین نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان است.

طرح این پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی و علّی- مقایسه‌ای است. جامعة آماری شامل کلیة زنان و مردان متقاضی شهر اصفهان (متقاضی طلاق و غیرمتقاضی طلاق) بود که 203 نفر از میان افراد متقاضی طلاق و 202 نفر از میان افراد غیرمتقاضی طلاق، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش، از پرسشنامة نگرش‌سنج مذهب براهنی، پرسشنامة تعهد زناشویی و پرسشنامة سبک زندگی به عنوان ابزار پژوهش و برای تحلیل داده‌ها از همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای و آزمون مان ویتنی- یو استفاده شده است.

نتایج پژوهش نشان داد دو متغیر نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی می‌توانند به طور معناداری وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) را پیش‌بینی نمایند. بر این اساس، افراد دارای سطوح بالاتر نگرش مذهبی و تعهد اخلاقي، دارای میزان کمتری از تقاضای طلاق هستند.

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی می‌توانند به عنوان دو مؤلفة مهم و اساسی در پایداری روابط زناشویی در نظر گرفته شوند.

# واژه‌هاي کلیدی

وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق)، نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی، سبک زندگی.

# مقدّمه

در هنگامة بحران ارزش‌ها، ارزش‌هاي اساسي يك جامعه بر لذت‌طلبي، تمتّع آني، مصلحت‌گرايي فردي، سودگرايي، ماده‌گرايي و ابزارگرايي استوار می‌شوند و انسان‌ها صرفاً به تمتّع مي‌انديشند و فقط مصالح خويشتن را در نظر مي‌آورند و همه چيز در چارچوب امور مادي، ملموس و حتي جسماني خلاصه مي‌شود. ارتباطات انساني نيز از اين شرايط تأثير مي‌پذيرند، روابط انسان‌ها از بُعد معنوي تهي مي‌شود و صرفاً در راه التذاذ آني قرار می‌گیرد. اين نوع روابط بسيار سست و آسيب‌پذير و شكننده است و به محض آن‌كه مصلحت ديگري روي نمايد يا بر اثر مرور زمان يا عوامل ديگر، رابطه‌ها از درون تهي شده و به بهانه‌هاي مختلف مي‌شكند، در اين شرايط، روابط زوجيت نيز از اين قاعده مستثني نبوده و آمار طلاق روز به روز افزايش خواهد يافت (ساروخانی،1376).

طلاق[[3]](#footnote-3) یکی از بحران‌های خانوادگی و اجتماعی است که در بسیاری از موارد موجب عدم تعادل خانواده گشته و به عنوان یکی از عوامل تنش‌زا ثبات خانواده را در هم شکسته و بهداشت روانی اعضای آن را خدشه‌دار می‌سازد (زرفچین،[[4]](#footnote-4) 2006، به نقل از: بوالهری و همکاران، 1390). پدیدة طلاق، راه‌حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فرو ریختن ساختمان خانواده، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط پدر و مادر با فرزند است (والچاک[[5]](#footnote-5)، 1366).

از آن جايي كه دو نهاد مذهب و خانواده بر ارزش‌هاي مشابهي را تأكيد می‌کنند و براي تقويت اجتماعی‌شدن به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه‌ای نزديك بين آن دو پيش‌بيني مي‌كنند. اين جهت‌گيري منجر به بيان عباراتي از اين قبيل گرديد كه مذهب مي‌تواند روابط زناشويي را تقويت و استحكام بخشد (كال و هيتون،[[6]](#footnote-6) 1997، به نقل از: خدایاری‌فرد، شهابی و اکبری‌زردخانه، 1386). نگرش مذهبي[[7]](#footnote-7) مي‌تواند در ارتباط زناشويي مؤثر باشد؛ زيرا مذهب شامل رهنمودهايي براي زندگي و ارائه‌دهندة سامانة باورها و ارزش‌هاست كه اين ويژگي‌ها مي‌توانند زندگي زناشويي را متأثر سازند (هانلر و گنچوز،[[8]](#footnote-8) 2005).

نگرش مذهبي عبارت است از اعتقادات منسجم و يکپارچة توحيدي كه خداوند را محور امور مي‌داند و ارزش‌ها، اخلاقيات، آداب و رسوم و رفتارهاي انسان با يكديگر، طبيعت و با خويشتن را تنظيم مي‌كند (حیدری، رفعت و عنایتی نوین‌فر، 1389). اغلب پژوهشگران بر این باورند که وجود عقاید مذهبی تأثیر به‌سزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار و دارای معنی باشد. نبود ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌باشد (دوناهو،[[9]](#footnote-9) 1995). دین می‌تواند عاملی در راه جلوگیری از طلاق به حساب آید و نتیجه‌ای که اودری[[10]](#footnote-10) (1971) در همین باب به دست می‌آورد حائز اهمیت است. او می‌گوید: «آنان که ایمان مذهبی دارند کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. بی هیچ شبهه، علت این امر آن است که معمولا در لوای دین و اعتقادات مذهبی، طلاق بُعدی اخلاقی می‌پذیرد. ایمان به شناخت و تداوم خانواده کمک می‌کند» (ساروخانی، 1376).

تعهد، ابزاري است که ميزان امنيت و فاصله از شريک زندگي را پديد مي‌آورد (آلن و باکوم،[[11]](#footnote-11) 2004، به نقل از: رضایی و همکاران، 1390). تعهد، چه به صورت اجباري يا فداکارانه، براي کيفيت زندگي زناشويي و ثبات در ازدواج مهم است (جانسون،[[12]](#footnote-12) 1985). جانسون الگوي جامعی را ارائه کرده که در آن تعهد زناشویی را به صورت سه نوع مستقل: تعهد شخصی،[[13]](#footnote-13) تعهد اخلاقی[[14]](#footnote-14) و تعهد ساختاري[[15]](#footnote-15) مطرح نموده است (جانسون، 1999). دومین بُعد تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است. تعهد اخلاقی بيانگر وفاداري اخلاقي فرد به ازدواج است. بسياري از الگوهاي نظري بر اين عقيده‌اند که تعهد زناشويي بر احساس وفاداري اخلاقي به ازدواج و رابطة زناشويي و نيز اين عقيده که ازدواج يک نهاد مقدس است، مبتني است. برخي از پژوهشگران نيز بر اين عقيده‌اند که اين بُعد از تعهد، به کمال اخلاقي و مذهبي افراد مربوط است. در هستة اين عقيده اين مفهوم وجود دارد که تعهد اخلاقي فرد به ازدواج و همسرش، از شرافتمندي فرد که مربوط به قول و قرارهاي قبلي و هم‌چنين اعتقادات اخلاقي و مذهبي وي است، نشأت مي‌گيرد (شیلدز،[[16]](#footnote-16) 2001). به طور کلی، سه مؤلفه در تعهد اخلاقی اثرگذار است: 1- تقدس بنیان ازدواج؛ 2- وفاداري به نوع رابطة زناشویی که به ارزش‌ها و اصول اخلاقی فرد اشاره دارد و فرد می‌تواند براساس اعتقاداتش به ازدواجش خاتمه دهد یا هم‌چنان به آن متعهد باشد؛3- احساس دَین به یک همسر (عباسی مولید، 1388). افزایش طلاق در جامعة امروزی نشانگر آن است که اعتقادات دینی در زندگی روزمرة افراد، از لحاظ رعایت نکات اخلاقی کم اهمیت شده‌اند (آبروی، 1388).

از سوی دیگر، این مسئله مطرح است که دین و اخلاق چگونه با زندگی افراد پیوند داشته و در چه مواردی می‌تواند با سبک زندگی[[17]](#footnote-17) آنها مرتبط باشد. ویلیام جیمز[[18]](#footnote-18) که پدر روان‌شناسی شمرده شده، معتقد است احساسات مذهبي نيروي روزافزوني در كار و زندگي شخص وارد مي‌كند و وقتي دنيا به آدمي پشت مي‌كند احساسات مذهبي دست به كار مي‌شود و در درون ما هيجان و شور زندگي را زنده نگه مي‌دارد (مهدی قائنی،1372، به نقل از: حیدری، رفعت و عنایتی نوین‌فر، 1389). فانک و والنگز[[19]](#footnote-19) (1987) دین را سبک زندگی یا نظام باورهایی دانسته‌اند که رابطۀ غایی فرد را با خدا و عالم هستی تنظیم می‌نماید (به نقل از: حیدری، رفعت و عنایتی نوین‌فر، 1389).

براي داشتن یک سبک زندگی مطلوب، دو نوع جهت‌گیري لازم است: 1-بایدها و نبایدهاي مورد قبول در زندگی؛ 2- شیوه‌هاي اجرا و به عینیت رساندن آن. جهت‌گیري اوّل، به طور غالب ارزشی و اخلاقی است. جهت‌گیري دوم، مبتنی بر ارزش‌هاي عملی است .اخلاق، جهت‌گیري‌هاي کلی زندگی و علوم انسانی، به‌ویژه روان‌شناسی، شیوه‌هاي رسیدن به آن را فرا راه انسان قرار می‌دهد .سبک زندگی از موضوعات بین‌رشته‌ای است. اخلاق و روان‌شناسی، به هر دو بُعد روانی و جسمانی سبک زندگی توجه دارد (کجباف و همکاران، 1390).

مفهوم «سبک زندگی» در روان‌شناسی، ابتدا از سوی آلفرد آدلر[[20]](#footnote-20) (1929) و پیروانش مطرح شد.آدلر برخلاف بسیاری از روان‌شناسان، علاوه بر نگاه توصیفی، نگاهی ارزشی و تجویزی هم به روان‌شناسی داشت (کجباف و همکاران، 1390). براساس تعريف سازمان بهداشت جهاني، سبك زندگي به روش زندگي مردم با بازتابي كامل از ارزش‌هاي اجتماعي، طرز برخورد و فعاليت‌ها اشاره دارد. هم‌چنين، تركيبي از الگوهاي رفتاري و عادات فردي در سراسر زندگي (فعاليت بدني، تغذيه، اعتياد به الكل، دخانيات و ...) است كه در پي فرايند اجتماعي‌شدن به‌وجود آمده است (استاگی،[[21]](#footnote-21) 2006، به نقل از: فاضل، حق‌شناس و کشاورز، 1390). سبک زندگی در بزرگسالی در اهداف و راه‌های رسیدن به آنها خود را نمایان می‌کند. افراد، افزون بر سبک زندگی فردی، نوعی سبک زندگی مشترک در زندگی زناشویی دارند که می‌تواند در جهت اهداف مشترک یا اهداف خودخواهانه باشد (فاضل و همکاران، 1390).

مُدل وبر[[22]](#footnote-22) (1920) مُدل کنش به معنای عام است که از آن برای بحث سبک زندگی استفاده می‌شود. او می‌خواست معین کند که نیروهای مذهبی تا چه حد به طور کیفی در شکل‌گیری این «روحیه» و به طور کلی در گسترش آن در جهان سهم داشته‌اند و کدام وجوه مشخص تمدن سرمایه‌داری از آن ناشی شده‌اند. مُدلی که وبر در مطالعات خود در تبیین فرایند رابطة دین و سبک زندگی (کنش) ارائه می‌کند را می‌توان چنین ترسیم کرد: بر اساس این مُدل تعامل منابع با تمایلات انسان، انتخاب فرد را پدید می‌آورد که به الگوی حاصل از آن سبک زندگی می‌گوییم. از این مُدل تعبیرهای متعدد فردگرایانه و ساخت‌گرایانه شده است که دو مُدل آدلر و بوردیو را می‌توان تعابیری تا حدودی معتدل‌تر در دو سوی این طیف دانست. بعضی از این تعبیرها عبارتند از: دین می‌تواند حاوی آگاهی‌ها، تجربیات و تمایزهای میان امور قدسی و غیر آن (جهان بینی) باشد که فرد را در شناخت خود و جهان پیرامونش کمک کند و در ترسیم طرحی از آنها در ذهنش و تعیین آماری خود یاری رساند. دین احساس‌هایی را در فرد بر می‌انگیزد (ترس، احترام، ایمنی، رضایت، گناه‌کاری و ...). این احساس‌ها می‌تواند در احساس کهتری فرد تأثیر گذارد، آن را تقویت یا تضعیف کند. دین معمولا دارای مجموعه‌ای از قواعد و قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری (احکام و اخلاق)، شعاعر و مراسم است و مدعی است بهترین الگوی زندگی را به افراد و جامعه پیشنهاد می‌کند. دین بر خلاقیت فرد تأثیر می‌گذارد و او را در مواجهه با محدودیت‌ها، توانمند یا ناتوان می‌سازد. دین دارای نهادهای اجتماعی نسبتا منسجم از پیروان است و در شکل‌گیری اجتماعی افراد و شناخت آنان از محیط اثر می‌گذارد. دین، شناختی تو در تو و عمیق از جهان ارائه می‌کند و عبور از هر مرحله‌اش راه را بر ورود به مرحلة بعدی هموار می‌کند (مهدوی‌کنی،1386، به نقل از: کاویانی ارانی، 1388).

به نظر می‌رسد که سبک زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در رضایت زناشویی داشته باشد (آقایی، ملک‌پور و مصوّر، 1383). نظريه‌ها و الگوهاي مطرح شده در حوزة زناشويي روشن كنندة اين نكته‌اند كه عوامل گوناگوني بر رضايت‌مندي، پايداري و ناپايداري ازدواج اثر دارند که از جمله در مورد سبک زندگی ادعاهای گوناگونی شده است (فاضل و همکاران، 1390). هیگلندر[[23]](#footnote-23) (1984، به نقل از: جهان‌گواه، 2009)، در پژوهش خود نشان داد که تغییر سبک زندگی، به ویژه در افراد افسرده، تداوم زندگی مشترک را باعث می‌شود (فاضل و همکاران، 1390). یافته‌های پژوهشی غفوری ورنوسفادرانی، گل‌پرور و مهدی‌زادگان (1388) نشان می‌دهد نگرش‌های مذهبی نیز در پیش‌بینی موفقیت و شکست روابط زناشویی نقش معنی‌داری دارد. سولیوان[[24]](#footnote-24) (2001) نیز نشان داد افرادی که در سطوح بالاتری از مذهب قرار دارند نسبت به افراد دارای سطوح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر به نظر می‌رسند.

مطالعات نيز نشان داده‌اند که سطح پايين تعهد زناشويي در ازدواج به عدم رضايت و طلاق منجر مي‌شود (هریس،[[25]](#footnote-25)2006). طبق نتایج تحقیقات، تعهد زناشویی دومین عامل حفظ‌کنندة ازدواج (رینولد و منسفیلد،[[26]](#footnote-26)1999) و فقدان آن مهم‌ترین عامل مؤثر در طلاق به‌شمار می‌آید (کوهان و کلینبائوم،[[27]](#footnote-27) 2002).

در برخی از پژوهش‌ها (از جمله دوناهو، 1995؛ لونتال، مک لئود و سینیرلا،[[28]](#footnote-28) 2002؛ محمدی و مهرابی‌زاده هنرمند، 1385؛ شریفی، 1381) بین نگرش‌های مذهبی دو جنس، تفاوت معناداری به دست آمد؛ به‌طوری که شدت نگرش‌های مذهبی در زنان بیشتر از مردان بود. در تعدادی از پژوهش‌های دیگر (از جمله میرهاشمیان، 1378؛ چراغی و مولوی ،1385) چنین تفاوتی معنادار نبود.

در رابطه با نقش جنسیت در تعهد اخلاقی، نتایج پژوهش عباسی مولید (1388) ارتباط معناداری بین جنسیت و تعهد زناشویی پیدا نکرد.

به این ترتیب، با توجه به اهمیت پدیدة طلاق در جوامع امروزی و لزوم شناخت عوامل مرتبط با آن و همزمان کمرنگ شدن دین و مذهب و به دنبال آن رعایت تعهدات اخلاقی و تغییر سبک زندگی مردم جوامع امروزی، پژوهش حاضر به روشن‌ساختن رابطة نگرش‌های مذهبی، تعهدات اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق/عدم طلاق) در مردان و زنان شهر اصفهان می‌پردازد. در این پژوهش فرضیه‌های زیر مطرح است:

1- نگرش مذهبی با وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) رابطة منفی دارد (سطح نگرش مذهبی افراد غیرطلاق به طور معناداری بالاتر از افراد طلاق است).

2- تعهد اخلاقی با وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) رابطة منفی دارد (سطح تعهداخلاقی افراد غیر طلاق به طور معناداری بالاتر از افراد طلاق است).

3- سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق/عدم طلاق) رابطة منفی دارد (سطح سبک زندگی افراد غیر طلاق به طور معناداری بالاتر از افراد طلاق است).

5- جنسیت، تأثیر معناداری بر نمرات نگرش مذهبی دارد (بین نمرات نگرش مذهبی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد).

6- جنسیت تأثیر معناداری بر نمرات تعهد اخلاقی دارد (بین نمرات تعهد اخلاقی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد).

7- جنسیت تأثیر معناداری بر نمرات سبک زندگی دارد (بین نمرات سبک زندگی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد).

# روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی و علّی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است.

جامعة آماری را کلیة مردان و زنان متقاضی طلاق و عادی شهر اصفهان تشکیل می‌دادند. در این تحقیق، حجم نمونه 205نفر بود که از این تعداد 203نفر افراد متقاضی طلاق و 202نفر را افراد عادی تشکیل می‌دادند. نمونة افراد متقاضی طلاق با استفاده از روش تصادفی از بین افراد متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگستری شهر اصفهان و نمونة افراد عادی با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از برنامةSPSS19 تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آماری توصیفی و همبستگی صورت گرفت. برای بررسی رابطة متغیرها از آزمون همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای و برای تعیین اثر جنسیت از آزمون مان ویتنی- یو استفاده شد.

# ابزار پژوهش

**پرسشنامة نگرش‌سنج مذهبی:[[29]](#footnote-29)1** این پرسش‌نامه دارای 25عبارت نگرشی است که آزمودنی باید میزان باور خود را در زمینة هر یک از عبارت‌ها، روی یک مقیاس هفت‌گزینه‌ای لیکرت مشخص نماید. برای نمره‌گذاری این پرسش‌نامه هر پاسخ آزمودنی نمره‌ای از یک (کاملاً مخالف) تا هفت (کاملاً موافق) می‌گیرد. دامنة تغییرات نمرات آزمودنی به طور نظری از حداقل 25 تا حداکثر 175 در نوسان خواهد بود) .براهنی، 1353؛ به نقل از: گلریز،1353). نمرة بالاتر به معنی داشتن باورهای مذهبی قوی‌تر است .اعتبار این آزمون به روش همبستگی با آزمون (آلپورت،[[30]](#footnote-30)2 1960 ، به نقل از: گلریز، 1353). برابر با 80/0 به دست آمده است. این پرسش‌نامه در گروه‌های شناخته شده (گروه‌های عادی و مذهبی) به کار برده شده و تفاوت میانگین نمره‌های دو گروه معنی‌دار بوده است؛ به بیان دیگر، پرسش‌نامه می‌تواند بین دو گروه تفاوت بگذارد (گلریز،1353). ضریب آلفای کرونباخ توسط پژوهشگر برای این پرسش‌نامه 83/0 به دست آمد که نشانگر پایایی مطلوب آن است.

**پرسشنامة تعهد زناشویی ((DCI:[[31]](#footnote-31)** این پرسش‌نامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون توسط آدامز و جونز[[32]](#footnote-32) (1997) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بُعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارتند از: 1. تعهد شخصی: تعهد نسبت به همسر که مبتنی بر جذابیت همسر است؛ 2. تعهد اخلاقی: تعهد نسبت به ازدواج که مبتنی بر تقدّس و حرمت رابطة زناشویی است؛ 3. تعهد ساختاری: تعهد نسبت به همسر و ازدواج که مبتنی بر احساس اجبار به تداوم ازدواج یا ترس از پیامدهای طلاق است. در اینجا هدف، بُعد اخلاقی این پرسش‌نامه است که آدامز و جونز (به نقل از جونز، 2004) میزان پایایی آن را 89/0 به دست آورده‌اند. در یک مطالعة مقدماتی توسط حسین عباسی مولید و همکاران (1388) روایی و پایایی این پرسش‌نامه در ایران بررسی شد که ضریب پایایی خرده‌مقیاس تعهد اخلاقی طی دوبار بررسی به ترتیب 83/0 و 76/0 محاسبه گردید. این پرسش‌نامه دارای 43سؤال است. هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای: (کاملا مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملا موافقم) است که به هر گزینه نمره‌ای بین 1 تا 5 تعلق می‌گیرد. به گزینة کاملا موافقم نمرة 5 و به گزینة کاملا مخالفم نمرة 1 داده می‌شود. خرده‌مقیاس تعهد اخلاقی شامل 13سؤال است که عبارت اند از: 3-6-9-13-20-22-23-26-29-30-34-37-41 (عباسی مولید، 1388). ضریب آلفای کرونباخ توسط پژوهشگر برای این پرسش‌نامه 85/0 محاسبه شد که نشانگر پایایی مطلوب آن است.

**پرسش‌نامة سبک زندگی (LSQ):[[33]](#footnote-33)1** این پرسش‌نامه توسط دکتر لعلی و همکاران تدوین و اعتباریابی شده است. نسخة نهایی پرسش‌نامه سبک زندگی دارای 70سؤال در طیف لیکرت است که به صورت (0) هرگز، (1) گاهی اوقات، (2) معمولا، (3) همیشه، نمره‌گذاری می‌شوند.این پرسش‌نامه از 10عامل یا مؤلفه شامل: 1- سلامت جسمانی؛ 2- ورزش و تندرستی؛ 3- کنترل وزن و تغذیه؛ 4- پیش‌گیری از بیماری‌ها؛ 5- سلامت روان‌شناختی؛ 6- سلامت معنوی؛ 7- سلامت اجتماعی؛ 8- اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل؛ 9- پیش‌گیری از حوادث؛ و 10- سلامت محیطی تشکیل شده است. نمرة بالا در هر کدام از مؤلفه‌ها و در کل پرسش‌نامه نشان دهندة سبک زندگی مناسب است. نتایج پژوهش دکتر لعلی و همکاران نشان داد که پرسش‌نامة سبک زندگی (LSQ)، از روایی و پایایی کافی و مناسب برای ارزیابی و اندازه‌گیری سبک زندگی افراد برخوردار است. به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه از دو روش همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ در دامنة بین 76/0 تا 89/0 قرار دارند و ضرایب پایایی به روش بازآزمایی در دامنه‌ای از 84/0 تا 94/0 قرار می‌گیرند. ضرایب پایایی هر یک از مؤلفه‌ها به روش بازآزمایی به ترتیب عبارت اند از: 94/0، 92/0، 91/0، 92/0، 94/0، 89/0، 88/0، 85/0، 89/0، 84/0 (لعلی، عابدی و کجباف، 1391). هم‌چنین ضریب آلفای کرونباخ توسط پژوهشگر برای این پرسش‌نامه 93/0 محاسبه شد که نشانگر پایایی مطلوب این ابزار است.

# یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی‌ها در سه متغیر نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی، به تفکیک جنس و وضعیت زناشویی (طلاق/عدم طلاق)، در جدول (1) ارائه شده است.

**جدول (1): ميانگين و انحراف استاندارد نمرات آزمودني‌ها به تفکيک جنسيت و وضعيت زناشویی**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **انحراف استاندارد** | | | **ميانگين** | | | **شاخص**  **آزمودني** | |
| **سبک زندگی** | **تعهد اخلاقی** | **نگرش مذهبی** | **سبک زندگی** | **تعهد اخلاقی** | **نگرش مذهبی** |
| 73/21 | 99/5 | 71/8 | 62/141 | 71/32 | 42/79 | عدم طلاق | زن |
| 80/24 | 72/8 | 20/9 | 64/140 | 78/19 | 15/75 | طلاق |
| 21/23 | 85/9 | 18/9 | 14/141 | 41/26 | 34/77 | کل |
| 96/23 | 16/5 | 45/14 | 78/135 | 60/33 | 73/71 | عدم طلاق | مرد |
| 46/33 | 62/7 | 08/19 | 34/122 | 19/20 | 03/62 | طلاق |
| 87/29 | 39/9 | 59/17 | 65/128 | 48/26 | 59/66 | کل |
| 26/22 | 80/5 | 69/10 | 32/140 | 91/32 | 70/77 | عدم طلاق | کل |
| 25/28 | 42/8 | 64/13 | 98/135 | 89/19 | 81/71 | طلاق |
| 45/25 | 72/9 | 57/12 | 16/138 | 43/26 | 77/74 | کل |

همان‌طور که در جدول(1) ملاحظه می‌شود، صرف‌نظر از وضعیت زناشویی، بین نمرات نگرش مذهبی و نیز سبک زندگی، در دوجنس، تفاوت بارزی مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که نمرات نگرش مذهبی و سبک زندگی، در زنان بالاتر است، اما بین نمرات تعهد اخلاقی در دو جنس، تفاوت قابل توجهی وجود ندارد. در میان زنان، نمرات زنان بدون تجربة طلاق در هرسه متغیرِ نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی، بالاتر از زنان دارای تجربة طلاق است. در میان مردان نیز این وضعیت مشاهده می‌شود. هم‌چنین صرف‌نظر از جنسیت، میانگین‌ نمرات آزمودنی‌ها فاقد تجربة طلاق، در هرسه متغیر مورد بررسی، بالاتر از میانگین نمرات افراد دارای تجربة طلاق است. البته در حد یافته‌های توصیفی نمی‌توان از معنادار بودن این تفاوت‌ها صحبت کرد؛‌ بنابراین برای بررسی روابط بین سه متغیرِ نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با جنسیت و وضعیت زناشویی از همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای استفاده شده است که نتایج آن در جدول (2) قابل ملاحظه است.

**جدول (2): نتايج ضريب همبستگي دو رشته‌اي نقطه‌اي بين متغيرهاي نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با جنسیت و وضعیت زناشویی**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **متغيرهاي پژوهش**  **متغيرهاي جمعيت‌شناختي** | | **جنسیت** | **وضعیت زناشویی** |
| نگرش مذهبی | همبستگي | 36/0 | 23/0- |
| معناداري | 00/0 | 00/0 |
| تعهد اخلاقی | همبستگي | 00/0 1 | 67/0- |
| معناداري | 96/0 | 00/0 |
| سبک زندگی | همبستگي | 21/0 | 08/0- |
| معناداري | 00/0 | 22/0 |

همان‌طور که در جدول (2) ملاحظه می‌شود، ارتباط نگرش مذهبی با هر دو متغیر جنسیت و وضعیت زناشویی، معنادار است؛ بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در جدول1 مبنی بر نمرات بالاتر نگرش مذهبی زنان نسبت به مردان و نمرات بالاتر نگرش مذهبی افرادِ بدون تجربة طلاق نسبت به افراد دارای تجربة طلاق، تأیید می‌شود. تعهد اخلاقی فقط با وضعیت زناشویی، ارتباط معناداری دارد؛ بنابراین نتایج جدول(1) مبنی بر نمرات بالاتر افراد بدون تجربة طلاق، در تعهد اخلاقی نسبت به افراد دارای تجربة طلاق، تأیید می‌گردد. ارتباط بین سبک زندگی و وضعیت زناشویی معنادار نیست؛ بنابراین تفاوت مشاهده شده در جدول(1) مبنی بر نمرات بالاتر سبک زندگی افراد بدون تجربة طلاق، نسبت به افراد دارای تجربة طلاق، تأیید نمی‌گردد. هم‌چنین رابطة بین سبک زندگی با جنسیت، معنادار است که براین اساس، نتایج جدول(1) مبنی بر نمرات بالاتر زنان نسبت به مردان در متغیر سبک زندگی، تأیید می‌گردد. بنابراین در مجموع زنان و مردان، از میان سه متغیر نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی، دو متغیر نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی می‌توانند به‌طور معناداری وضعیت زناشویی را پیش‌بینی کنند؛ اما سبک زندگی رابطة معناداری با وضعیت زناشویی ندارد. هم‌چنین با توجه به همسویی نتایج ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای با آزمون تی دو گروه مستقل در این موارد (مولوی، 1386)، می‌توان گفت که در نمرات نگرش مذهبی و سبک زندگی بین زنان و مردان تفاوت‌های معناداری وجود دارد یا به عبارتی جنسیت، تأثیر معناداری بر این دو متغیر داشته است؛ اما دربارة متغیر تعهد اخلاقی، تفاوت‌های جنسیتی، معنادار نیست.

به منظور تأیید وجود تفاوت‌های معنادار بین مردان و زنان در متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی از آزمون تحلیل واریانس نیز می‌توان استفاده نمود؛ ولی با توجه به عدم تساوی دو گروه مرد و زن در این پژوهش و معناداری آزمون لوین هم در مورد متغیر نگرش مذهبی (05/0> P، 76/31 = F) و هم در مورد متغیر سبک زندگی (05/0> P، 69/4 = F)[[34]](#footnote-34) برای تحلیل داده‌ها نمی‌توان از آزمون‌های پارامتری همچون تحلیل واریانس استفاده کرد. به همین دلیل، برای بررسی تأیید نتایج آزمون همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای مبنی بر تفاوت‌های معنادار دو گروه مرد و زن در متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی از آزمون غیرپارامتری مان ویتنی- یو استفاده شد که نتایج آن در جدول (3) ارائه شده است.

**جدول (3) نتايج آزمون مان ویتنی-یو برای بررسی تفاوت‌های دو جنس در متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **متغیرها**  **آماره** | **نگرش مذهبی** | **سبک زندگی** |
| U | 50/2408 | 50/3633 |
| معنی‌داری | 00/0 | 00/0 |

همان‌طور که در جدول (3) ملاحظه می‌شود، نتایج آزمون مان ویتنی- یو نیز کاملاً همراستا با نتایج جدول (2) است و این یافته را تأیید می‌کند که تفاوت‌های جنسیتی در مورد متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی معنادار است و یا به عبارتی جنسیت، تأثیر معناداری بر متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی دارد.

# بحث و نتیجه‌گیری

امروزه طلاق یکی از پدیده‌های شایع جوامع انسانی شده، در هیچ عصری مانند این عصر عملا بشر دچار خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن نبوده است (فرجاد، 1377). پدیدة طلاق چندعاملی است و معمولا یک عامل به‌تنهایی نمی‌تواند موجبات پدیدایی آن را فراهم کند (ساروخانی، 1372). شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلالات زناشویی و جدایی زوجین فراهم می‌کند، شاه‌کلیدی برای کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه است (آبروی، 1388). پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطة نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق/ عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد سطح نگرش مذهبی زنان و مردان طلاق به طور معناداری بالاتر از زنان و مردان غیر طلاق است. این یافته با نتایج پژوهش غفوری ورنوسفادرانی و همکاران (1388) که نشان می‌دهد نگرش‌های مذهبی در پیش‌بینی موفقیت و شکست روابط زناشویی نقش معنا داری دارد و هم‌چنین پژوهش سولیوان (2001) که نشان داد افرادی که در سطوح بالاتری از مذهب قرار دارند نسبت به افراد دارای سطوح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر به نظر می‌رسند، همسویی دارد.

در تبیین نقش نگرش‌های مذهبی باید خاطرنشان ساخت که عدم ایمان به خدا موجب عدم انسجام و ناآرامی‌در فرد شده و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود. مذهب باعث صبر و بردباری، احساس همدلی و انعطاف‌پذیری در روابط با دیگران می‌شود که این ویژگی‌ها در روابط زن و شوهر نقش دارند و موجبات رضایت زناشویی را فراهم می‌آورند (دادلی و کازینسکی،[[35]](#footnote-35)1 1990). مذهب راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها بدان عمل نمایند منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌شود. این که افراد به ازدواج به‌منزلة مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر و فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر نگاه کنند و وفاداری و تعهد به همسر را چگونه بر مبنای مذهب تفسیر نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی[[36]](#footnote-36)2، 2005).

نتایج نشان داد سطح تعهد اخلاقی زنان و مردان طلاق نیز به طور معناداری بالاتر از زنان و مردان غیر طلاق است. این یافته با نتایج تحقیقات رینولد و منسفیلد (1999)؛ کوهان و کلینبائوم (2002) که بیان می‌دارد تعهد زناشویی دومین عامل حفظ‌کنندة ازدواج و فقدان آن مهم‌ترین عامل مؤثر در طلاق به شمار می‌آید، همخوان است.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت ﺗﻌﻬﺪ، ﭼﻪ ﺑﻪ ﺻﻮرت اﺟﺒﺎري چه ﻓﺪاﮐﺎراﻧـﻪ، ﺑـﺮاي ﮐﯿﻔﯿـﺖ زﻧـﺪﮔﯽ زﻧﺎﺷـﻮﯾﯽ و ﺛﺒـﺎت در ازدواج ﻣﻬﻢ اﺳﺖ (جانسون، 1985). اﻟﺒﺘﻪ ﺑﺎﯾﺪ اﺷﺎره ﮐﺮد ﮐﻪ ﺗﻌﻬﺪ ﻓﺪاﮐﺎراﻧﻪ به‌طور ﻓﺰاﯾﻨـﺪه‌ای در ﻣﻘﺎﯾﺴـﻪ ﺑـﺎ ﺗﻌﻬﺪ اﺟﺒﺎري ﺑﺎ رﺿﺎﯾﺖ زﻧﺎﺷﻮﯾﯽ ﻣﺮﺗﺒﻂ اﺳﺖ. ﺗﻌﻬﺪ در زﻧﺪﮔﯽ زﻧﺎﺷـﻮﯾﯽ ﻋﺒـﺎرت اﺳـﺖ از ﻋﻼﻗﻪ و ﻗﺼﺪي ﮐﻪ ﺷﺨﺺ ﺑﻪ آن اﻧﺪازه و ﺑﺮ اساس آن تمایل دارد که در رابطة زناشویی باقی بماند و عهدی را که بسته حفظ کند. تعهد، ابعاد چندگانه‌ای دارد و دربرگیرندة دلایل شخصی، اخلاقی و اعتقادی به‌خصوصی است که شخص را به ادامة رابطة زناشویی پایبند می‌کند (حسینی، 1389). ﺗﻌﻬﺪ ﺑﻪ ازدواج ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﻳﻚ ﺑﻨﻴﺎد (ﺗﻌﻬﺪ اﺧﻼﻗﻲ)، اﻳﻦ اﺣﺴﺎس را در اﻓﺮاد ﺷﺪت ﻣﻲﺑﺨﺸﺪ ﻛﻪ ﻣﻠﺰم ﺑﻪ ﺣﻔﻆ ازدواج ﺑﻪ‌ﻋﻨﻮان وﻇﻴﻔﻪاي اﺧﻼﻗﻲ ﻳﺎ اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﻫﺴﺘﻨﺪ (آدامز و جونز، 1997).

هم‌چنین هرچند نمرات سبک زندگی زنان و مردان طلاق بالاتر از زنان و مردان غیر طلاق بود، با این حال نتایج نشان داد که سبک زندگی رابطة معناداری با وضعیت زناشویی ندارد. ﺳﺒﻚ زﻧﺪﮔﻲ روﺷﻲ اﺳﺖ ﻛﻪ ﻓﺮد در ﻃﻮل زﻧﺪگی اﻧﺘﺨﺎب ﻛﺮده و ﺑﺎزتاﺑﻲ ﻛﺎﻣﻞ از ارزشﻫﺎي اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ، ﻃﺮز ﺑﺮﺧـﻮرد، ﻓﻌﺎﻟﻴـﺖﻫـﺎ، اﻟﮕﻮﻫـﺎي رﻓﺘـﺎري و ﻋﺎدات ﻓﺮدي ﭼﻮن ﺗﻐﺬﻳﻪ، ﺧﻮاب، ﻓﻌﺎﻟﻴﺖﻫﺎي ﺑﺪﻧﻲ، ﺷﺮﻛﺖ در ﻣﺠـﺎﻣﻊ و ﻓﻌﺎﻟﻴـﺖﻫـﺎی اﺟﺘﻤـﺎﻋﻲ و ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌رﻳﺰي ﻣﺮﺑﻮط ﺑﻪ ﻓﺮزﻧﺪان و ﺧﺎﻧﻮاده است. ﻫﻨﮕﺎﻣﻲ ﻛﻪ اﻧﺠﺎم اﻳﻦ اﻣﻮر در ﺣﺪ ﻣﻄﻠﻮب ﺑﺎﺷـﺪ، اﻓﺮاد از ﺳﻼﻣﺖ ﺟﺴﻤﺎﻧﻲ و رواﻧﻲ ﺑﺮﺧﻮردار ﻣﻲﺷﻮﻧﺪ و در ﻧﺘﻴﺠﻪ، اﻳﻦ ﻋﺎﻣﻞ ﺑﺎﻋﺚ ﻣﻲﺷﻮد ﻛﻪ ﺧﺎﻧﻮادهﻛﻢﺗﺮ دﭼﺎر ﻣﺸﻜﻞ ﺷﻮد و در ﭘﻲ آن ﻧﺎﺳﺎزﮔﺎري در ﺧﺎﻧﻮاده ﻛﻢﺗﺮ ﭘﻴﺶ ﺑﻴﺎﻳﺪ و ﺧﺎﻧﻮاده ﻛـﻢﺗـﺮ دﭼـﺎر آﺳﻴﺐ ﮔﺮدد ( فاضل و همکاران، 1390). سبك زندگي، مفهومي گسترده و چند بُعدي است (اباذری و چاوشیان، 1381). اين‌كه يك بُعد خاص از آن را به عنوان شاخص سبك زندگي بررسي كنيم گويا نيست؛ هرچند توجه به همة ابعاد هم وسعت كار را به حدي افزايش مي‌دهد كه شايد انجام آن امكان‌پذير نباشد (مجدی و همکاران ، 1389). به نظر می‌رسد برخی از ابعاد سبک زندگی نسبت به ابعاد دیگر تأثیر قابل‌توجه‌تری بر وضعیت زناشویی داشته باشد و همین امر موجب بالاتر بودن نمرات سبک زندگی زنان و مردان غیر طلاق نسبت به زنان و مردان طلاق شده است که لازم است در این راستا پژوهش‌های گسترده‌تری صورت گیرد.

هم‌چنین جنسیت، رابطة معناداری با متغیرهای نگرش مذهبی و سبک زندگی داشته است به‌طوری‌که نتایج به‌دست‌آمده بیانگر سطوح بالاتر نگرش‌های مذهبی و سبک زندگی در زنان است. تفاوت بين دختران و پسران در نگرش‌هاي مذهبي، يافته‌اي است که به‌طور مکرر و در پژوهش‌هاي متعدد مشاهده شده است (از جمله: دوناهو، 1995؛ لونتال، مک لئود و سینیرلا، 2002؛ محمدی و مهرابی‌زاده هنرمند، 1385؛ شریفی، 1381)؛ به این معنا که دختران به‌مراتب نگرش‌های مذهبی بالاتری نسبت به پسران دارند؛ ولي با وجود اين، در بعضي از پژوهش‌هاي داخلي (ازجمله میرهاشمیان، 1378؛ چراغی و مولوی، 1385) چنین تفاوتی به دست نیامد.

بعضي از محققان خاطرنشان کرده‌اند که ممکن است تفاوت دو جنس در نگرش‌هاي مذهبي، به مذهب خاص مورد مطالعه مربوط باشد. براي مثال، لونتال و همکاران (2002) در پژوهشي که بر پيروان چهار دين مسيحيت، هندويسم، يهود و اسلام انجام دادند، تفاوت زنان و مردان در نگرش مذهبي را فقط در پيروان مسيحيت يافتند. محققاني که از نظر نگرش ديني تفاوت معناداري بين دو جنس به دست نياوردند، معتقدند اين تفاوت، ويژة فرهنگ‌هاي غربي است و در فرهنگ ما به دلايلي از جمله نفوذ بسيار زياد و گستردة مذهب در همة اعصار و دوران‌ها، مشاهده نمي‌شود. اما نکتة مهمي را که بايد دربارة پژوهش‌هايي که در زمينة تفاوت‌هاي دو جنس در مورد مذهب انجام شده‌اند گفت، اين است که حجم مطالعاتي که بين دو جنس در اين زمينه تفاوت يافته‌اند، بسيار بيشتر از مطالعاتي است که چنين تفاوتي را نيافته‌اند (شریفی، 1381). از طرف ديگر، اين يافته در بيشتر مذاهب و جوامع مورد مطالعه نيز تکرار شده است. در واقع، اين يافته - يعني تفاوت زنان و مردان از نظر نگرش‌هاي مذهبي و بيشتر بودن گرايش زنان به مذهب- به‌قدري در مطالعات و بررسي‌هاي مختلف در فرهنگ‌ها، مذاهب و طبقات مختلف تکرار شده است که بعضي از مؤلفان (از جمله استارک،[[37]](#footnote-37)1 2002) اين مسئله را امري جهاني تلقي کرده‌اند که در تفاوت‌هاي زيستي زنان و مردان ريشه دارد. متعاقب با نگرش‌های مذهبی می‌توان بیان کرد که زنان از راهنمایی‌هایی که مذهب در اختیار آنها قرار داده است بیشتر در زندگی خود بهره برده و بنابراین سبک زندگی آنها در سطح بالاتری نسبت به مردان قرار دارد.

اما در مورد متغیر تعهد اخلاقی، تفاوت‌های جنسیتی، معنادار نیست. این یافته با پژوهش عباسی مولید (1388) مبنی بر این‌که ارتباط معناداری بین جنسیت و تعهد زناشویی وجود ندارد همخوان است. در ایران مطالعات اندکی در این باره صورت گرفته است؛ با این حال، می‌توان بیان کرد که با توجه به باورهای ارزشی جامعة ما دربارة پایبندی و وفاداری به خانواده ، تعهد اخلاقی صرف‌نظر از جنسیت در فرهنگ مردم ایران نهادینه شده است و مردان و زنان خود را مقیّد به رعایت تعهدات اخلاقی می‌دانند.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان وضعیت زندگی زناشویی (طلاق/عدم طلاق) را بر اساس متغیرهای نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی پیش‌بینی کرد. به عبارتی، نگرش‌های مذهبی به نگرش‌های فرد دربارة نهاد خانواده بُعدی معنوی و مقدّس می‌بخشد و با توجه به بُعد مهم اخلاق در مذهب، ترکیب مذهب و تعهد اخلاقی می‌تواند احساس مسئولیت و وفاداری در قبال همسر و خانواده را موجب شود. هم‌چنین، رابطة معناداری بین سبک زندگی و وضعیت زناشویی به دست نیامد؛ با این حال به نظر می‌رسد سبک زندگی بر روابط زناشویی بی‌تأثیر نباشد؛ اگرچه ممکن است این عامل در همة ابعاد سبک زندگی و به‌طور مستقیم اعمال نشود. نتایج این پژوهش بر ضرورت پررنگ‌تر کردن مذهب، مسائل اخلاقی و پایبندی به ارزش‌ها به‌ویژه در رابطه با بنیاد خانوده و زندگی زناشویی که در زندگی مردم جوامع امروزی به حاشیه رانده شده است تأکید دارد.

# منابع

1. اباذري، يوسف، چاوشيان، حسن، 1381، «از طبقه تا سبك زندگي»، در: *نامة علوم اجتماعي*، شمارة20.
2. آبروی، مریم، 1388، «بررسی عوامل پیش‌بینی کنندة طلاق در زوجین شهر اصفهان»، پایان‌نامة کارشناسی ارشد رشتة مشاوره، گرایش خانواده، دانشگاه اصفهان.
3. آقایی، اصغر، ملک‌پور، مختار و مصور، شهلا، 1383، «رابطة سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسة آن با افراد عادی»، در: *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان، شمارة 21 و 22، صص 169 تا190).
4. بوالهری، جعفر، رمضان‌زاده، فاطمه، عابدی‌نیا، نسرین، نقی‌زاده، محمدمهدی، پهلوانی، هاجر و صابری، سید مهدی، 1391، «بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاقدر زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران»، در: *مجله تخصصی**اپیدمیولوژی ایران*، دورة 8، شمارة 1، صص 83 تا93.
5. چراغي، مونا و مولوي، حسين، 1385، «رابطه بين ابعاد مختلف دينداري و سلامت عمومي در دانشجويان دانشگاه اصفهان» *پژوهش‌هاي تربيتي و روان‌شناختي*، سال دوم، شمارة 2، صص 1 تا22.
6. ﺣﺴﯿﻨﯽ، ﺑﯿﺘﺎ، 1389، *زﻣﯿﻨة زوج‌درﻣﺎﻧﯽ*، ﺗﻬﺮان: انتشارات ﺟﻨﮕﻞ.
7. حیدری رفعت، ابوذر و عنایتی‌نوین‌فر، علی، 1389، «رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس»، در: *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، شمارة 4، صص 61 تا72 .
8. خدایاری‌فرد، محمد، شهابی، روح‌الله و اکبری‌زردخانه، سعید، 1386، «رابطة نگرش مذهبی با رضایت زناشویی در دانشجویان متاهل»، در: *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال سوم، شمارة 10، صص 611 تا620.
9. رضایی، جواد، احمدی، سیداحمد، اعتمادی، عذرا و رضایی‌حسین ‌بادی، مریم، 1390، «تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور بر تعهد زناشویی زوجین»، در: *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، شمارة 4، صص 37 تا60.
10. ساروخانی، باقر، 1372، *طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت عوامل آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
11. ساروخانی، باقر، 1376، *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، چاپ دوم (با تجدیدنظر)، شمارة 2202، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
12. شريفي، طيبه، 1381، «بررسي رابطة نگرش مذهبي با افسردگي، اضطراب، پرخاشگري، سلامت عمومي و شکيبايي در دانشجويان دانشگاه آزاد اسلامي واحد اهواز»، پايان‌نامة کارشناسي‌ارشد روان‌شناسي عمومي، دانشگاه آزاد اسلامي واحد اهواز.
13. عباسی‌مولید، حسین، 1388، «بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت‌درمانی بر تعهد زناشویی زوجین خمینی‌شهر»، پایان‌نامة کارشناسی‌ارشد رشتة مشاوره، گرایش خانواده، دانشگاه اصفهان.
14. غفوری ورنوسفادرانی، محمدرضا، گل‌پرور، محسن و مهدی‌زادگان، ایران، 1388، «سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطة زناشویی»، در: *تحقیقات علوم رفتاری*، درورة 7، شمارة 2، صص 142 تا153.
15. فاضل، امین‌الله، حق‌شناس، حسن و کشاورز، زهرا، 1390، «قدرت پيش‌بيني ويژگي‌هاي شخصيتي و سبك زندگي بر رضايتمندي زوجي زنان پرستار شهر شيراز»، در: *فصلنامة علمی پژوهشي جامعه‌شناسي زنان*، سال دوم، شمارة 3، صص 139 تا163.
16. فرجاد، محمدحسین، 1377، *بررسی مسائل اجتماعی ایران: فساد اداری اعتیاد، طلاق*، تهران: انتشارات اساطیر.
17. کاویانی‌ارانی، محمد، 1388، «طرح نظریة سبک زندگی بر اساس دیدگاه و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن»، پایان‌نامة دکترای رشتة روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
18. کجباف، محمدباقر، سجادیان، پریناز، کاویانی، محمد و انوری، حسن، 1390، «رابطة سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، در: *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، شمارة 4، صص 61 تا74.
19. گلریز، گلشن، 1353، «پژوهشی برای تهیة نگرش مذهبی و بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با سایر بازخوردها و خصوصیات شخصیتی»، پایان‌نامة کارشناسی روانشناسی، انتشارات دانشگاه تهران.
20. لعلی، محسن، عابدی، احمد و کجباف، محمدباقر، 1391، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامة سبک زندگی (LSQ)، در: *پژوهش‌های روان‌شناختی*، دورة 15، شمارة 1، صص 64 تا80.
21. مجدی، علی‌اکبر، صدرنبوی، رامپور، بهروان، حسین و هوشمند، محمود، 1389، «سبک زندگی جوانان شهر مشهد و رابطة آن با سرمایة فرهنگی و اقتصادی والدین»، در: *مجلة علوم اجتماعی دانشکدة ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هفتم، صص 131 تا161.
22. محمدي، داود و مهرابي‌زادة‌هنرمند، مهناز، 1385، «ارتباط نگرش مذهبي با مکان کنترل و نقش جنسيت»، در: *پژوهش‌هاي روان‌شناختي*، شمارة 3 و 4، ، صص 47 تا64.
23. میرهاشمیان، حمیرا، 1378، «تأثیر اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری مکان کنترل و نیمرخ روانی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، در: *فصلنامة دانشگاه آزاد اسلامی*.
24. والچاک، ایوت، 1366،  *طلاق و فرزندان*، ترجمة فرزانة طاهری، نشر روان.
25. Adams, J.M.; Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. Journal of personality and social psychology, 72, 1177-1196.
26. Cohan, C. L., & Kleinbaum, S. Toward a greater understanding of premarital l cohabitation and marital commitment. Journal of Marriage and Family, 2002 , 64(1), 180-193.
27. Donahue J M, Benson LP. Religion and well being of adolescents. Social Issues 1995; 51(2): 145-60.
28. Dudley M, Kosinski F. Religiosity and marital satisfaction: A research note. Review of Religious Research 1990;32(1): 78-86.
29. Harris VW. Marital quality, contex, and interaction: A comparison of individuals actress various income levels. Sci Context, 2006, 17, 48-52.
30. Hünler, O. S. & Genc, ÖZ, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. Contemporary Family Therapy, 27(1), 123-136.
31. Johnson, M.P. Personal, moral, and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint. In Handbook of interpersonal commitment and relationship stability. J.M. Adams and W.H. Jones, eds. New York: Kluwer Academic. ,1999,73-87.
32. Loewenthal, K. M., Macleod, A. K. & Cinnirella, M. (2002). Are women more religious than men? Gender differences in religious activity among different religious groups in the UK. Personaliy and Individual Differences,32,133-139.
33. Johnson, M.P. Commitment. Cohesion, investment, barriers, alternatives, constraint: Why do people stay together when they really don’t want to? Proceeding of Theory and Research Methodology Workshop, National Council on Family Relation Annual Meeting, Dallas, 1985, 45-53.
34. Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. Journal of Social Issues, 61(4), 689-706.
35. Reynold, J., & Mansfield, P. The effect of changing attitudes to marriage on its stability: Lord chancellor’s Department. High Divorce Rates: The state of the evidence on Reasons and Remedies, V. (1), 1-3. Reserch series NO. 2/99.
36. Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. Journal of Family Psychology, 15, 610-628.
37. Shields, E. P. The effect of religiosity and marital Commitment on marital satisfaction and stability. Unpublished doctoral dissertation: Brigham Yong University. 2001.
38. Stark, R. (2002). Physiology and faith: Addressing the universal gender difference in religious commitment. Journal for the Scientific Study of Religion,41,495-507.

1. \*- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه اصفهان (نویسندة مسئول).

   [khaleghi\_farzaneh@yahoo.com](mailto:khaleghi_farzaneh@yahoo.com) [↑](#footnote-ref-1)
2. \*\*- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

   faribayazdkhasti@yahoo.com

   تاريخ دريافت: 23/04/1392 تاريخ تأیید: 25/05/1392 [↑](#footnote-ref-2)
3. -Divorce. [↑](#footnote-ref-3)
4. - Zrvfchyn. [↑](#footnote-ref-4)
5. -Walczak. [↑](#footnote-ref-5)
6. -Call&Heaton. [↑](#footnote-ref-6)
7. -Religious attitude. [↑](#footnote-ref-7)
8. -Hunler & Genc. OZ. [↑](#footnote-ref-8)
9. -Donahue. [↑](#footnote-ref-9)
10. -Audrey. [↑](#footnote-ref-10)
11. -Allen & Baucom. [↑](#footnote-ref-11)
12. - Johnson. [↑](#footnote-ref-12)
13. -Personal commitment. [↑](#footnote-ref-13)
14. - Moral commitment. [↑](#footnote-ref-14)
15. -Attraction commitment. [↑](#footnote-ref-15)
16. - Shields. [↑](#footnote-ref-16)
17. - Lifestyle. [↑](#footnote-ref-17)
18. - William James. [↑](#footnote-ref-18)
19. -Funck & Valengez. [↑](#footnote-ref-19)
20. -Alfred Adler. [↑](#footnote-ref-20)
21. - Estagi. [↑](#footnote-ref-21)
22. -Weber. [↑](#footnote-ref-22)
23. - Higlender. [↑](#footnote-ref-23)
24. - Sullivan. [↑](#footnote-ref-24)
25. -Harris. [↑](#footnote-ref-25)
26. -Reynold & Mansfield. [↑](#footnote-ref-26)
27. -Cohan & Kleinbaum. [↑](#footnote-ref-27)
28. -Loewenthal , Macleod & Cinnirella. [↑](#footnote-ref-28)
29. 1- Religious attitude questionnaire. [↑](#footnote-ref-29)
30. 2–Allport. [↑](#footnote-ref-30)
31. -Dimensions of commitment inventory. [↑](#footnote-ref-31)
32. - Adams & Jones. [↑](#footnote-ref-32)
33. 1 -Lifestyle questionnaire [↑](#footnote-ref-33)
34. - در اينجا ميزان همبستگی، در واقع صفر نيست و فقط دو رقم اوّل بعد از اعشار صفر است. اين نکته دربارة بعضی از حالات مشابه در جداول آتی نيز صدق می‌کند. [↑](#footnote-ref-34)
35. 1-Dudley & Kosinski. [↑](#footnote-ref-35)
36. 2 –Mahoney. [↑](#footnote-ref-36)
37. 1–Stark. [↑](#footnote-ref-37)